

آیا امام علی علیه السلام پشت سر خلفاء نماز خوانده است ؟

توضیح سؤال :

احسان الہی ظہیر می نویسد :

كان عليّ أحد المستشارين المقربين إليه، يشترك في قضايا الدولة وأمور الناس ، ويشير عليه بالأمن والأصلح حسب فهمه ورأيه... لا يمنعه مانع ولا يعوقه عائق، يصلّي خلفه ويعمل بأوامره، ويقضي بقضايها، ويستدلّ بأحكامه ويستند .
امام علی علیه السلام یکی از مشاورین نزدیک عمر بود که با او در تمام قضایای دولت و امور مردم مشارکت داشت و بهترین ، با ارزش ترین مشورت ها را می داد و در این رابطه هیچ چیزی مانع او نبود . پشت سر عمر نماز می خواند و به دستورات او عمل می کرد

پاسخ :

برای روشن شدن حقیقت مسأله ، باید تمامی روایاتی را که دلالت می کند که امام علی علیه السلام پشت سر خلفاء نماز خوانده اند ، تک تک بررسی شود .

روایت اول :

1 . روي الطبرسي في الاحتجاج: وحضر المسجد وصلّي خلف أبي بكر .

الاحتجاج: 126/1، وعنه في بحار الأنوار 127/29 ح 27، مدينة المعاجز: 152/3.

اولاً : سند این روایت مرسل است ؛ زیرا طبرسی روایت را مستقیماً و بدون ذکر واسطه از حماد بن عثمان از امام صادق علیه السلام نقل می کند ؛ در حالی که حماد بن عیسی متوفای 190 هـ و خود طبرسی متوفای 548 هـ است .

ثانیا : ظاهراً مصدر کلام طبرسی روایتی است که در تفسیر قمی وجود دارد که وی از پدرش ابراهیم بن هاشم ، از ابن ابی عمیر ، از عثمان بن عیسی و حماد بن عیسی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است . این روایت هر چند از نظر سند مشکلی ندارد ؛ اما از نظر دلالت چیز دیگری را ثابت می کند .

روایت در تفسیر قمی این چنین آمده است :

حضر المسجد ووقف خلف أبي بكر وصلّي لنفسه .

در مسجد حاضر می شد و پشت ابی بکر می ایستاد ؛ اما نماز را فرادی می خواند .

ثالثاً : در خود همین روایت آمده است که ابوبکر با مشورت عمر به خالد بن ولید دستور داده بودند که هنگام سلام نماز ، علی را با شمشیر بکشد ؛ ولی ابوبکر در حین خواندن نما پشیمان شد و قبل از دادن سلام گفت :

يا خالد لا تفعل ما أمرتك به .

و اهل سنت هرگز نمی توانند به مضمون این روایت ملتزم بشوند . اگر می خواهند نماز پشت سر خلفا را برای امام علی علیه السلام ثابت کنند ، باید تروریست بودن خلفا را نیز بپذیرند ؛ چون نمی شود به مضمون يك بخش از روایت ملتزم و به بخش دیگر ملتزم نباشند ؛ چون در این صورت مصداق « يؤمن ببعض و يكفر ببعض » خواهند شد .

و جالب این است که همین مطلب را سمعانی از علمای بزرگ اهل سنت در ترجمه رواجنی ، استاد بخاری نیز نقل می کند :

حديث أبي بكر رضي الله عنه : أنه قال : « لا يفعل خالد ما أمر به . سألت الشريف عمر ابن إبراهيم الحسيني بالكوفة عن معني هذا الأثر فقال : كان أمر خالد بن الوليد أن يقتل علياً ، ثم ندم بعد ذلك ، فنهى عن ذلك .

روايت دوم :

وفي نوادر أحمد بن عيسى الأشعري عن عثمان بن عيسى ، عن سماعة ، قال : سألته عليه السلام عن مناكحتهم والصلاة معهم ؟ فقال : هذا أمر تمديد إن استطيعوا ذاك ، قد أنكح رسول الله صلي الله عليه وآله ، وصلي علي عليه السلام وراءهم .
اين روايت را شيخ حر عاملي رحمت الله عليه در كتاب وسائل ، در باب استحباب حضور الجماعة خلف من لا يقتدي به ، للتقية والقيام في الصف الأول معه ، نقل کرده است .
يعني اين كه از باب تقيه و در زماني كه جان ، مال و ناموس انسان در خطر باشد ، مستحب است انسان در نماز جماعت كسي كه نماز خواندن پشت سر او جايز نيست ، حاضر شود .
و همچنين علامه مجلسي رحمت الله عليه در كتاب بحار ، باب نكاح المشركين والكفار والمخالفين والنصاب نقل کرده است .
پس اين روايت اهل سنت را به مقصدشان نمي رساند ؛ چرا كه در تقيه بحث اكراه و اجبار مطرح است و اگر انسان مجبور باشد ، حتي مي تواند دخترش را به كافر و مشرك عقد كند ؛ چه رسد به كسي ظاهراً خود را مسلمان مي داند و پنج وقت نماز مي خواند .

روايت سوم :

روي الحميري عن جعفر ، عن أبيه قال : كان الحسن والحسين عليهما السلام يقرآن خلف الإمام .
و در وسائل نيز اين گونه آمده است :
عبد الله بن جعفر في (قرب الإسناد) عن الحسن بن ظريف ، عن الحسين بن علوان ، عن جعفر ، عن أبيه قال : كان الحسن والحسين عليهما السلام يقرآن خلف الامام .
مرحوم علامه مجلسي در تبیین کلمه « امام » در اين روايت مي نويسد :
« خلف الإمام » أي أئمة الجور الذين كانوا في زمانهما عليهما السلام
منظور از « امام » در اين روايت ، همان ائمه جوري هستند كه در زمان آن حضرات حكومت را در دست داشتند . بلي ، امام حسن و امام حسين عليهما السلام پشت سر آن ها مي ايستاد ؛ اما به آن ها اقتدا نمي كرد و براي خودشان نماز مي خواندند .
حضور در نماز جماعت آن ها در زمان ها عادي مستحب مؤكد است ؛ چنانچه بسياري از علما به آن قائل هستند و روايات نيز آن را تأييد مي كند . و در زمان تقيه حضور در نماز جماعت آن ها واجب است ؛ البته اگر امكان داشت بايد اول نماز خود را در خانه بخواند و بعد در نماز جماعت آن ها حاضر شود و اگر امكان نداشت ، در نماز جماعت حاضر شود ؛ ولي براي خودش نماز بخواند و قرائت را ساقط نكند

. الشيعة وأهل البيت : 61.

. تفسير القمي: 2/ 158، 159، تفسير نور الثقلين: 188/4.

. الأنساب للسمعاني: 3/ 95، ط. دار الجنان - بيروت و 6/ 170، نشر محمد أمين دمج - بيروت - 1400 هـ.

. النوادر 129، وسائل الشيعة (آل البيت)، ج 8، ص 301، ح 10726.

. وسائل الشيعة (آل البيت)، ج 8، ص 299.

. بحار الأنوار، ج 100، ص 375.

. قرب الاسناد ص 114، ح 7.

. وسائل الشيعة (آل البيت)، ج 8، ص 366، وسائل الشيعة (الإسلامية)، ج 5، ص 430، جامع أحاديث الشيعة، ج 6، ص 503.

موفق باتنيد

گروه پاسخ به تنبهاات

مؤسسة تحقيقاتى حضرت ولئ عصر (عج)